

بررسی ابعاد «تهاجم فرهنگی صهیونیستی» به جهان اسلام و عرب

● سید محمد علی ابطحی

چکیده: مقاله حاضر با احساس خطر از تهاجم فرهنگی رژیم صهیونیستی به کشورهای مسلمان

و عرب نگاشته شده است.

در خلال آن نمودهای این تهاجم و اهداف مرحله‌ای آن مورد بررسی و توجه قرار گرفته و در ادامه

نقاط قوت و ضعف طرفین این مبارزه جمع‌بندی می‌شود و توصیه‌هایی برای تقویت طرف اسلامی و عربی

این مبارزه ارائه می‌گردد.

رژیم صهیونیستی و قدرتهای حامی آن، به خوبی و به موقع احساس کردند «تا علایق مردمی و روابط فرهنگی با مسلمانان و اعراب ایجاد نکنند، عادی سازی روابط و همدلی با حاکمان عرب، مشکل آنان را حل نخواهد کرد». بیش از پانزده سال از صلح اسراییل و مصر می‌گذرد، اما همه کارشناسان آمریکایی و اسراییلی معتقدند این روابط - علی‌رغم همه جانبه بودن آن - همچنان غیر جدی است و سردی روابط به نحوی است که امکان پیشرفت هر نوع همکاری متقابل را دشوار می‌سازد. این همه، به آن دلیل است که ملت و فرهنگ ملی مصر، صلح را نپذیرفته و همچنان خود را در مقابل فرهنگ دشمن می‌بیند.

روانشناسان آمریکا، مصر و اسراییل با نظارت مرکز تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی آمریکا در سال ۱۹۷۹ (یعنی تنها اندکی پس از امضای قرار داد کمپ دیوید) با برگزاری سمیناری

با نام «مقاومه السلام و اسبابه السیکولوجیه»، ابعاد مقاومت ملی در مقابل صلح را بررسی کرده و اعلام داشتند که باید فرهنگ مردمی را به نفع صلح آماده ساخت. همین مشکل را در سال ۱۹۹۳ در کنگره «مخاطرات اسلام - اسرائیل» بررسی نمودند و این بار نیز ریشه مشکل را فرهنگی دانستند.

اسرائیل که این واقعیت را به خوبی درک کرده است، جبهه اصلی نبرد را از رویارویی نظامی و سیاسی به تهاجم فرهنگی علیه ارزشها و فرهنگ اسلامی و عربی منتقل می‌کند. زیرا اساسی‌ترین مشکل صهیونیستها در این بستر وجود دارد.

هم اکنون که صلح به معنای امضای قراردادهای متقابل در حال فراگیری است، رژیم صهیونیستی نیازی به برنامه‌ریزی برای ایجاد روابط سیاسی نمی‌بیند. فشارهای آمریکا و تسلیم حکام عرب، تضمین لازم را برای برقراری هر نوع روابط سیاسی ایجاد کرده است. هدف اساسی و نیاز اصلی آمریکا و اسرائیل از ایجاد نظام جدید در خاورمیانه، حذف حالت دشمنی و عادی سازی روابط است. آنچه که امروز در روزنامه‌های آمریکایی و اسرائیلی و وابستگانشان در عرصه تبلیغات عربی به چشم می‌خورد، «تطبیع» یعنی عادی سازی است. آنان معتقدند مرحله عادی سازی، مرحله بعد از صلح است.

برنامه اسرائیل را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱ - با تلاش وسیعی که از سالها قبل صهیونیستها برای تسخیر وسایل ارتباط جمعی عالم آغاز نموده‌اند، موفق شده‌اند بسیاری از خبرگزاریهای معروف جهان و شبکه‌های نامدار تلویزیونی بین‌المللی را در اختیار گیرند و این، در قرن و زمانه‌ای که به عنوان «عصر ارتباطات» نام گرفته و بنا بر تعبیر مک لوهان، جهان به صورت دهکده کوچک جهانی درآمده، بسیار پراهمیت است. تسخیر وسایل ارتباط جمعی، یعنی تسخیر اذهان و محیط فرهنگی ملتها و اسرائیل سالهاست که در این مهم برنامه‌ریزی نموده است.

۲ - صرف بودجه‌های کلان در اسرائیل برای جذب تحقیقات و گسترش مراکز پژوهش و تحقیقات فنی و علمی در خاورمیانه بی‌نظیر است. شیمون پرز یکبار اعلام کرد بیش از ۴۰٪ بودجه اسرائیل به مسایل فرهنگی و تحقیقات علمی اختصاص دارد و اگر زمان صلح فرا برسد، به این رقم باید به نحو قابل توجهی افزوده شود.^(۱)

۳ - پرداختهای نقدی وسیع به هنرمندان مختلف، بویژه هنرمندان عرب.

۴ - جایگزینی سیاحتی اسرائیل، به گونه‌ای که افراد گوناگون با ورود به اسرائیل بتوانند با فرهنگ ملی و آداب و رسوم اسرائیلی آشنا شوند و ضمناً ارتباطات سیاحتی منطقه عربی، از

مراکش و تونس گرفته تا لبنان را به اسرائیل جذب کنند.

در کنار این برنامه‌های عمومی و کلی برخی خط مشی‌های خردتر نیز توسط اسرائیل به مرحله اجرا درآمده که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی برای عادی سازی روابط

یکی از روش‌های صهیونیستها برای نفوذ فرهنگی، بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی عرب است. به گونه‌ای که با استفاده از آن، نسبت به عادی سازی روابط فرهنگی تلاش کنند و از شدت دشمنی و عداوت کم کرده و حساسیت‌های جوامع اسلامی را در این رابطه کاهش دهند. برخی مدیران وسایل ارتباط جمعی عرب نیز یا بر اساس وابستگی به اسرائیل یا بر اساس فقدان درک درست، عوامل و سرپلهای این عادی سازی و حساسیت زدایی و در حقیقت زمینه ساز تهاجم فرهنگی دشمن هستند که به نمونه‌هایی که اخیراً و بعد از مسابقه صلح در جهان عرب به وقوع پیوسته، اشاره می‌شود:

۱ - معمولی‌ترین و در عین حال، حساس‌ترین حرکت رسانه‌های گروهی، برخورد دوستانه و نه از سر دشمنی، با صهیونیستهاست و شایع‌ترین آنها، مصاحبه و تماس‌های مستقیم با اعضای حکومت رژیم اشغالگر فلسطین است. پخش مستقیم توافق اخیر اردن و اسرائیل توسط بسیاری از تلویزیونهای عربی و مصاحبه با نخست‌وزیر اسرائیل توسط تعدادی از تلویزیونهای عربی، مصاحبه اختصاصی و مفصل روزنامه لبنانی «الحیات» با نخست‌وزیر رژیم اشغالگر^(۱)، برگزاری میزگردهای فرهنگی بین صهیونیستها و چهره‌های فرهنگی عرب، مانند میزگرد قاهره در ماه مه امسال که در آن سه نفر از نویسندگان مصری با نامهای «لطفی الخولی»، «احمد عبدالحلیم» و «تحسین بشیر»، با ۱۴ نفر از اعضای سیستم دیپلماسی اسرائیل در زمینه ارتباط فرهنگی عرب - صهیونیسم گفتگو می‌کردند^(۲) نمونه‌هایی از این گونه فعالیتها هستند.

۳ - بنا به گفته دبیرخانه کنگره دایمی مقابله با تهاجم فرهنگی صهیونیستی (کتاب اول)، اخیراً روزنامه‌نگاران بدون مرز، به مناسبت سالگرد قرارداد صلح سازمان آزادیبخش و اسرائیل در اسلو در تاریخ ۲۵ تا ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۴، میزگرد آزادی در پاریس برگزار کردند با عنوان «روزنامه‌نگاری و صلح» که در آن روزنامه‌نگارانی از مصر، اردن، اسرائیل، لبنان، کرانه غربی و غزه به همراه نمایندگان جراید اروپایی از یونان و پرتغال شرکت داشتند. جالب اینکه در پایان این میزگرد، موارد زیر به عنوان قطعنامه کنگره ارایه شده است:

الف - صلح، تنها راه حل آینده خاورمیانه است.

ب - تاکنون صلح در عمق زندگی اجتماعی مردم مسلمان و عرب به صورت باور ظهور

پیدا نکرده است.

ج - صلح، پشتیبانی مردمی ندارد و آراء عمومی همراه با صلح نیست.

د - با اینکه صلح از نظر سیاسی و اقتصادی در حال پیشرفت است، به خاطر سوابق تاریخی از دیدگاه فرهنگی، دچار رکود و احياناً عقب‌گرد است.

با توجه به اینکه قطعنامه کنفرانس روزنامه‌نگاران بدون مرز بر شکست بعد فرهنگی صلح تأکید دارد، اما گویا از طرف سیاستمداران وظیفه دارد این شکست را جبران کند. لذا در پایان قطعنامه توجه داده‌اند که دولتها به خبرنگاران مختلف، به خصوص خبرنگاران آزاد، اجازه دهند در مجموعه‌ی خاورمیانه - به گونه‌ای که حکومت اشغالگر قدس را شامل شود - تشکیلات خبری واحدی تأسیس کنند تا تبادل اخبار و اطلاعات گردد و در حقیقت زمینه‌ای برای تهاجم جدی فرهنگی باشد.

۴ - روزنامه «الشرق» چاپ قطر مصاحبه‌ای مفصل و اختصاصی با اسحاق رابین انتشار داده است که در آن روزنامه‌الشرق از این اتفاق فرهنگی ابراز رضایت و خرسندی می‌کند.^(۴) این نمونه موارد در حال گسترش است.

۵ - در نوار اشغالی لبنان، سرمایه‌گذاری برای راه‌اندازی تلویزیون «شرق الاوسط» پایان یافته که مدیریت این تلویزیون با یهودیان و مخاطبان آن، همه خانواده‌های جنوب لبنان و نوار اشغالی در مصر و سوریه است.

توجه اسرائیل به میراث و چهره‌های فرهنگی عرب

یکی دیگر از منافذ ورودی و تهاجم فرهنگی صهیونیسم برای طرح فرهنگ خود و حذف حساسیت مسلمانان که اخیراً رنگ و روی فرهنگی به خود گرفته و در این بحث جای بررسی دارد، تکریم و بزرگداشت چهره‌های فرهنگی عرب در اسرائیل و یا در سفارتخانه‌های رژیم صهیونیستی است که با این کار، هم حدود و ثغور فرهنگی درهم شکسته می‌شود و هم با حمایت از چهره‌های فرهنگی عرب، حساسیت جهان عرب نسبت به خود را کاهش می‌دهد.

۱ - نمونه آن مجالس بزرگداشتی بود که در سفارتخانه‌های اسرائیل برای «جبران خلیل جبران» ادیب سرشناس و معروف عرب برپا شد و از این چهره سرشناس و کتابها و اشعار و جملات معروف ادیبانه او به تفصیل، بحث و گفتگوی فرهنگی کردند.^(۵) قابل توجه آنکه بوش رییس جمهور سابق آمریکا، باغ بزرگی را در واشنگتن به نام «جبران خلیل جبران» نامگذاری کرده است! پیشتر برنامه‌ریزی شده بود که مراسم تجلیل، در سفارتخانه‌های عربستان، کویت، لبنان، اردن، امارات عربی متحده، قطر و اسرائیل (۱) برگزار شود، ولی این مسأله با اعتراض سفیر

لبنان روبرو شد. وی اعلام کرد که «جبران»، یک نویسنده عرب و لبنانی است و اسرائیل با قومیت و فرهنگ عرب همواره مخالفت ورزیده است و بزرگداشت معروفترین ادیب عرب در چنین کشوری بی معنا بوده و دولت لبنان آن را تحریم نموده است. برگزارکنندگان که از سوی کنگره آمریکا برای این کار مأموریت داشتند، ناگهان تمامی مراسم این بزرگداشت را لغو نمودند و در هیچیک از سفارتخانه‌ها مراسم تجلیل «جبران خلیل جبران» برگزار نشد. گویا تمامی این مراسم برای این بود که اسرائیل با این ادیب عرب پیوند برقرار کند و از راه فرهنگی و ادبی، عادی سازی روابط را سامان دهد.^(۶)

۲ - برنامه ریزی سفرهای فرهنگی و هنری نویسندگان و هنرمندان به اسرائیل و اجرای برنامه‌های عربی تل‌آویو که نمونه‌های آن حتی در مورد کسانی که کتاب درباره مقاومت نوشته‌اند و یا شعر خوانده‌اند، اخیراً در مصر و با سرمایه‌گذاری مشترک وزارت اعلام مصر و اسرائیل دیده می‌شود. آخرین مورد آنکه جنجال فراوانی نیز در میان روشنفکران مصری برپا کرد، حضور مدحت صالح، ایمان البحر، ورده الجزایری و علی سالم در این رشته از فعالیتهای هنری بود.^(۷) و یا میزگردهای مشترکی که در یک سال اخیر، گروه عرفات با نویسندگان صهیونیست برگزار کرده‌اند.

۳ - راه‌اندازی قهوه‌خانه‌های سنتی عرب و پذیرایی از میهمانان با غذاهای عربی توسط اسرائیلی‌ها در کشورهای مختلف اروپایی و اخیراً در کشورهایی مانند مصر، به همراه استفاده از موسیقی و فولکلور عربی و یا برپایی جشنواره فولکوریک عربی در اسرائیل، نمونه‌هایی از تلاش فرهنگی اسرائیل برای حذف حساسیتهای فرهنگی است.^(۸)

ایجاد سازمانهای تحقیقاتی جهانی برای دستیابی به فرهنگی مشترک

مجله «المجتمع» کویت، گزارش تکان دهنده‌ای انتشار داده است که در آن، آمار مؤسسات و مراکز فکری و فرهنگی فراوانی را که اخیراً در آمریکا رو به افزایش گذاشته، آورده و معتقد است همه این مؤسسات تحقیقاتی، تبلیغی، فکری و فرهنگی دارای هدف مشترک ایجاد ارتباط فرهنگی بین صهیونیستها و مسلمانان هستند و بر اساس مذاکراتی که نویسنده مقاله با مدیران این مؤسسات داشته، به این نتیجه رسیده است که بیشتر این مؤسسات پس از قرارداد مادرید (۱۹۹۱) سازماندهی شده‌اند. این مؤسسات برای آن تشکیل شده‌اند که نسبت به تغییر رویه مردم و فرهنگ عمومی جهان عرب، برنامه‌ریزی نمایند. یکی از مهمترین این مؤسسات، مؤسسه‌ای تحقیقاتی است که تحت عنوان «سازماندهی صلح و همکاری بین اعراب و اسرائیل بر نقطه نظرات مشترک فرهنگی» نامگذاری شده و بسیاری از مسؤولین سیاسی و صاحب نام آمریکایی

در آن عضویت دارند، از جمله، معاونان پیشین وزرای امور خارجه آمریکا در امور خاورمیانه مانند «آلفرد اترتون» (رئیس فعلی این مؤسسه)، هارولد ساندروز، چستر کروکور، ریچارد مورفی، سفیران سابق آمریکا در کشورهای عربی، رییس سابق بانک جهانی و قایم مقام سابق وزارت دفاع آمریکا (دورف زاخم) اعضای هیأت مدیره آن هستند و ۲۵ نفر از چهره‌های فرهنگی اسرائیلی و عرب مقیم آمریکا از کشورهای مغرب، سوریه، مصر، اردن، عمان، کویت و لبنان نیز در آن عضویت دارند. نویسنده مقاله مذکور، در مجله المجتمع که اسامی فوق را از راههای مختلف بدست آورده، توانسته با مدیر روابط عمومی مؤسسه نیز ملاقات کند و از او درباره اسامی افراد پرسش نماید. مدیر روابط عمومی مؤسسه پاسخ داده که اسامی افراد محقق مرکز، سری است. وی اظهار داشته که من می‌توانم این نکته را به عنوان هدف اصلی مؤسسه ذکر کنم که نظر عمومی مردم عرب و مسلمان با عادی سازی روابط با صهیونیستها، مخالف است و ما وظیفه داشته‌ایم برای اینکه راه توافقی سیاسی، سریعتر هموار گردد، نسبت به طراحی فرهنگ مشترک عرب و اسرائیلی برنامه ریزی کنیم و این، هدف مؤسسه ماست^(۹).

این گزارش، به تنهایی، نشان‌دهنده عمق برنامه‌ریزی فرهنگی آمریکا و صهیونیستها در سازماندهی تهاجم فرهنگی علیه اعراب و اسلام است.

در گزارش دیگری آمده است که ۱۶ مرکز تحقیقات آمریکا و ۶ مرکز صهیونیستی و ۲ مرکز مصری متخصص در امور خاورمیانه با سرمایه مشترک آمریکا، اسرائیل و مصر به کار تحقیق در مورد مشکلات صلح و هموار کردن موانع آن در حال مطالعه هستند. مرکز این مجموعه مراکز در مصر است و در آمریکا و اسرائیل نیز نمایندگیهایی دارد.^(۱۰)

یک مرکز آکادمیک اسرائیلی نیز در قاهره آغاز به کار کرده است که نسبت به شناسایی شبکه‌های ضد صهیونیستی تلاش فراوانی انجام داده و کشف ۳ شبکه جمع‌آوری اطلاعات بر ضد صهیونیستها تنها در طول سالهای ۸۵ و ۸۶، یکی از موفقیت‌های آنان بوده است. این مرکز، فعالیتهای آکادمیک خود را بر شناخت ریشه‌های فولکلور مصری و راههای مقابله با آنها و یا احیاناً تغییر آنها، بررسی امکان وحدت فرهنگی و عقیدتی یهود و اسلام، شعر جدید عرب و مسایل آموزش، کشاورزی و سینما متمرکز کرده است.

تلاش سازمانهای بین‌المللی برای ایجاد روابط فرهنگی

سازمانهای رسمی و بین‌المللی که در سالهای اخیر به عنوان ابزار قدرتهای بزرگ، به خصوص آمریکا عمل می‌کنند، در خط مقدم جبهه تهاجم فرهنگی قرار داشته‌اند. موارد زیر در این رابطه گویا است.

۱ - سازمان یونسکو، اخیراً در فاصله ۱۹ تا ۲۱ ایلول (سپتامبر) ۱۹۹۴ در تونس، کنفرانسی تحت عنوان «بررسی ابعاد خلاقیت‌های شعری و رمان نویسی جهان عرب در آستانه قرن بیست و یکم» تشکیل داد که نویسنده معروف صهیونیست «سامی میخیایل»، که اصلی‌ترین تئوریسین فرهنگی عادی سازی روابط بود، به همراه اصلی‌ترین چهره‌های فرهنگی عرب که آنان نیز به طور مداوم از موضع صهیونیستها در جهان عرب قلم می‌زدند مانند طاهرین جلون و امیل حبیبی که جایزه «صلح فرهنگی» از نخست وزیر رژیم صهیونیستی دریافت کرده بودند، به اضافه طیب صالح، صلاح ستیته، فینوس خوری غاتا، الیاس خوری، کمال ابودیپ، محمد براده، محمد بنیس، توفیق بکار، جمال الغیطانی، صنع الله ابراهیم و مالک علوله حضور داشتند.^(۱۱)

۲ - با سرمایه‌گذاری سازمان ملل، سازمانی با نام سازمان گفتگوی یهودی و عربی در اروپا (G.E.D.E) تأسیس شده که بنا به گفته خانم «سائده نسبیه» رییس منتخب سازمان ملل، قرار است این سازمان به عنوان یک سازمان غیر دولتی ارتباطات فرهنگی بین مردم یهود و عرب را برقرار نماید و نیز این سازمان وظیفه دارد که با انتشار مجله‌ای دو ماهانه به نام "G.E.D.E News" به هریک از طرفهای یهودی و اسرائیلی راههای همزیستی مسالمت آمیز را آموزش دهد. مرکز این سازمان در لندن است و تاریخ تأسیس آن، ۱۹۹۱ می‌باشد.^(۱۲)

۳ - مرکز فرهنگی آلمان در مصر (گوته) به عنوان پل ارتباطی اسرائیل عمل می‌کند. دعوت ماهانه از نویسندگان اسرائیل برای برگزاری کنفرانسی در مؤسسه گوته مصر و مذاکره مداوم با نویسندگان مصری جهت شرکت در این کنفرانسها و یا کنفرانسهای مشابه در اسرائیل، که این امر، در مصاحبه «سلوی بکر» نویسنده مصری افشا شد. در این مصاحبه، سلوی بکر اعلام کرد که مؤسسه فرهنگی آلمان در تماسهای مکرر از او دعوت کرده است تا در اسرائیل کنفرانسی فرهنگی در مورد نوشته‌هایش برگزار کند.^(۱۳)

حکومت‌های وابسته نیز در این زمینه، به عنوان ابراز وفاداری به آمریکا، اهداف صهیونیستها را به مثابه عوامل آنان، به خوبی پی می‌گیرند و به آنان در این مهم کمک می‌نمایند:

۱ - نمونه بارز آن در مصر بود که وقتی علی رغم پذیرش عمومی، دولت مصر قرار داد کمپ‌دیوید را امضاء کرد و به اثرات منفی آن در بین مردم و نیز به مقاومت ایشان از طریق قرائت آیات ضد یهود قرآن پی برد، دستور داد قرائت آیاتی که یهود را کافر می‌شناسد، در سراسر مصر ممنوع است و قاریان نباید این آیات را تلاوت کنند.

۲ - بنا بر دستور دولت در مصر و به تبع آن در برخی کشورهای عربی، پاکسازی کتابهای درسی را آغاز کردند و تمام قسمتهایی را که در کتابهای درسی بر علیه یهود یا اسرائیل بود، حذف

کردند. این پاکسازی، حتی شامل دروس تاریخ، زبان، علوم اجتماعی و دروس دینی نیز شد و همهٔ جملاتی که روح مقاومت را در مردم تقویت می‌کرد از کتابهای درسی حذف کردند.

مشکلات اساسی صهیونیستها در تهاجم فرهنگی به اسلام و عرب

علی رغم همهٔ آنچه ذکر شد، صهیونیستها ابزار کافی برای پیروزی در تهاجم فرهنگی را در اختیار ندارند و همواره با مشکلات جدی در این راه مواجه‌اند. عمده مسایلی که رژیم صهیونیستی در این زمینه با آنان مواجه است، عبارتند از:

۱ - اساسی‌ترین مشکل اسرائیل، مشکلاتی است که ناشی از عقاید و آرمانهای صهیونیستی بوده که سالها بر روی آن تبلیغ شده است. براساس اعتقادات صهیونیستی، یهود، ملت برگزیده است و همهٔ بشریت، برای خدمت به قوم یهود آفریده شده‌اند و خداوند آنان را برگزیده که بر همه حکومت کنند و یهود ملتی است که به خاطر برگزیدگی حق دارد همهٔ موانع را با شدت و قوت و قتل و غارت از میان برداشته و حکومت یهودی را در سراسر جهان گسترش دهد. تعبیر معروف «از نیل تا فرات» (که بنا به اعتقاد آنها سرزمین مقدس بوده و باید در اختیار یهود باقی بماند)، از همین فکر نشأت گرفته است.

این تفکر نژادپرستانه تنها در ارتباط با یهود و غیر یهود نیست، بلکه در داخل جامعهٔ یهودی، مجموعهٔ «اشکناز» که از ریشهٔ اروپایی و خزریه هستند و جنبش صهیونیستی معاصر را پایه‌گذاری کرده‌اند، خود را از مجموعهٔ یهودی «سفاردیم» که ریشهٔ شرقی دارند برتر می‌دانند و همین مسأله موجب بروز مجموعه‌ای از درگیریهای قومی در داخل مجتمع یهودی شده است. لذا صهیونیستها با این تفکر نژادپرستانه، برای همزیستی با ملتی که دارای سابقه و تمدن است، دچار مشکل جدی شده‌اند. بر مبنای نظریهٔ نژادپرستانه فوق، فرهنگ یهود و صهیونیستی، فرهنگی متحجرانه و غیر قابل عرضه است. گرچه در ایام جنگ، سعی شده است واقعیت این فرهنگ مخفی بماند، ولی اگر در آینده بخواهند با چهرهٔ فرهنگی متحجرانهٔ با ملل دیگر برخورد کنند مشکل ارتباط با فرهنگهای دیگر را خواهند داشت. خصوصاً فرهنگهای باز و روشنفکری که در بعضی از کشورهای همجوار اسرائیل مانند لبنان وجود دارد.

با توجه به اعتقادات افراطی دینی و عدم پذیرش ملتهای دیگر و شناسایی آنان به عنوان ملتهای خدمتگزار یهود، در قاموس فرهنگی صهیونیستها مسایل انسانی کمترین ارزش را دارد. حقوق بشر با مبنای اعتقادی یهود در تناقض است. کشتار و بی‌رحمی، بخشی از فرهنگ آنان است. با کشتارهای وسیع در ایام اشغال سرزمینها و یا ترورهای بی‌رحمانهٔ مردم مسلمان، امکان پذیرفته‌ترین اصول زندگی مشترک مانند رعایت حقوق بشر و رعایت قوانین جاری جهانی

وجود ندارد و این تناقض، مشکل فرهنگی برای اسرائیل ایجاد کرده است. حیمم وایزمن، رهبر و تئوریسین معروف نهضت صهیونیستی در اوایل قرن حاضر در نطق مشهوری که بعداً به استراتژی صهیونیستی مشهور شد، اعلام کرد در ملاقات با «لرد بالفور» وزیر خارجه بریتانیا - و کسی که به یهود در سال ۱۹۱۷ وعده ایجاد حکومت در اسرائیل را داد - به وی گفت: جمعیت اولیه ما باید بین ۴ تا ۵ میلیون نفر باشد تا با این نیرو، توان اقتصادی اولیه‌ای ایجاد کنیم و سپس به تعداد جمعیت یهود بفرزاییم تا اینکه پس از خاورمیانه به سوی خاور دور حرکت کنیم. وی افزود: «لرد بالفور» را قانع کردم که استعمار، همان صهیونیسم است.^(۱۴) همین سناریو، با مهاجرت یهودیان و اسکان آنان در اسرائیل استمرار یافت.

صهیونیسم با همان روحیه که در سال ۱۹۴۸ اروپا را به کمک گرفته بود تا دولت اسرائیل را ایجاد کند، اکنون برای استمرار دیدگاههای توسعه طلبانه و نژادپرستانه، خود تلاش می‌کند و همین، باعث مشکل فرهنگی در ارتباط با حکومت‌های عرب و مسلمان است. رهبران و روشنفکران عرب نیز گهگاه به این واقعیت اشاره داشته‌اند و نهاد توسعه طلبانه اسرائیل را گوشزد کرده‌اند و این، در خاطره اعراب و مسلمانان باقی است. اولین بار این مسأله، در نطق رهبر نامدار عرب، «جمال عبدالناصر» آمد که گفت:

«در یکی از مجلات مربوط به ارتش اسرائیل، مقاله‌ای با عنوان (به سوی دمشق) دیدم. در آن مقاله آمده بود که ما وقتی بخواهیم اعراب را از بین ببریم، باید ابتدا سوریه را تسخیر کنیم و صلیبی‌ها اشتباه فاحشی که کردند، این بود که وقتی کشورهای عربی را اشغال نمودند، تمام سوریه را تسخیر نکردند و این، باعث شد تا اعراب جانی دوباره بگیرند. باید کاری کرد که اعراب از صحنه گیتی حذف و جای آنان را صهیونیست‌های جهان پر کنند».^(۱۵)

۲ - مشکل مهم دیگر اسرائیل در نداشتن تمدن و سابقه فرهنگی نهفته است. صهیونیستها به عنوان حکومت و ملتی که ابزار دست سیاستمداران جهانی بوده‌اند و همواره مشکلات اروپا - و اخیراً آمریکا - را در منطقه حیاتی خاورمیانه حل و فصل کرده‌اند، تمدن و فرهنگی ندارند. اسرائیل همواره در تشکل فرهنگ فعلی جامعه خود نیز در حال بهره‌گیری از اروپا و آمریکا و عربها بوده است و از مجموعه این فرهنگها توانسته برای خود، حکومت و فرهنگی بیافریند. طبیعی است بی‌اساس بودن فرهنگ فعلی آنان، راه را بر هر نوع نفوذ فرهنگی به جامعه‌ای که تمدن و فرهنگ غنی و نیرومندی دارد، می‌بندد. تاریخ و تمدن اسرائیل، در نیم قرن اخیر خلاصه می‌شود که آن هم در یک جمله، غارت و خونریزی بوده است.

۳ - فقدان نیروهای فرهنگی در جامعه‌ای که تمدن و تاریخ ندارد طبیعی و این، مشکل

بعدی اسرائیل در تهاجم فرهنگی است. زیرا نیروهای فرهنگی و روشنفکر یا باید تحقیقات تاریخی داشته و افکارشان در تاریخ ریشه داشته باشند - که در مورد اسرائیل، این فرض وجود ندارد - و یا باید از آرمانی مقدس و اصولی دفاع کند که مورد قبول روشنفکران باشد، این نیز در رابطه با حکومتی که با اشغال سرزمین دیگران، برای حل مشکلات سیاسی اروپا و آمریکا ایجاد شده، معنا ندارد. حکومتی که سران آن نظامیان خشن و یا عناصری متعصب و نژادپرست هستند. تنها یک راه حل وجود دارد آن این که مراکز تحقیقاتی فعال بوده و با سرمایه گذاری مالی انبوه، متفکران را جلب کند که این گرچه عملی است (و هم اکنون نیز در اسرائیل اجرا می شود) ولی طبیعی است که این نوع متفکران و روشنفکران خریداری شده، نمی توانند اندیشه‌ای منسجم و نو ارائه کنند. بنابراین، فقدان نیروهای فرهنگی اصیل در جامعه صهیونیستی، نقطه آسیب پذیری اسرائیل است.

۴ - وجود گروههای تندروی اسرائیلی که همواره ابزار فشار سیاسی رژیم تل آویو بوده‌اند و به عنوان مظاهر آرمان صهیونیستی تلقی می شده‌اند - اعم از روحانیان و یا افراد عادی - مشکل دیگری است که از نظر داخلی، اسرائیل برای تعامل با اعراب و مسلمانان در پیش روی دارد و آنان تحرک اسرائیل در جهت زندگی مشترک با سایر ملتها - بویژه مسلمانان - را دشوار می کنند.

۵ - گرچه مجموعه موجود داخل سرزمینهای اشغالی، همه دارای یک مذهب و اعتقاد هستند و این نقطه قوت اسرائیلی هاست و در کوتاه مدت، می تواند آنان را حول محور افکار واحد دینی مجتمع کند، ولی اعتقادات و آداب و سنن مختلف افرادی که از روسیه تا اتیوپی و از یوگسلاوی تا تایلند در این کشور گرد آمده‌اند، باعث شده است تا اسرائیل از یک فرهنگ و سنت داخلی و ملی هماهنگ برخوردار نباشد. اتباع این کشور، دارای ملیتهای مختلف و بالطبع، دارای سلیقه‌های گوناگون و فرهنگهای بسیار متفاوت هستند و اسرائیل در صورتی که بخواهد فرهنگش را صادر کند و یا در رفت و آمدهای پس از صلح، برای انتقال فرهنگش برنامه ریزی کند، دچار مشکلاتی جدی خواهد بود.

۶ - رنجها و مصیبتهایی که ملت مسلمان و عرب در اثر خشونتها و قساوتهای اسرائیل تحمل کرده‌اند، به حدی است که براحتی از خاطره مسلمانان پاک نخواهد شد. آسیب دیدگان از قتل عامهای گروهی و بازماندگان شهدای بی شماری که بی دلیل و صرفاً به خاطر خیانت اسرائیل جان داده‌اند، آوارگانی که زندگانی را با تلخی و مرارت سپری کرده و این تلخی را به نسلهای بعدی به میراث گذارده و یک لحظه لبانشان به لبخند و دلهایشان به خوشی مزین نشده

است و از آن مهمتر، بی‌حرمتیهایی که اسرائیل به مقدسات اسلامی و دینی و ملی مسلمانان و اعراب روا داشته است، از آتش زدن مسجدالاقصی تا به گلوله بستن نمازگزاران و اهانت‌های مداوم به قومیت عرب، به حدی است که اسرائیل، هرگز براحتی نخواهد توانست ذهن و دل مسلمانان و اعراب را برای پذیرش فرهنگ صهیونیستی آماده سازد.

۷ - مشکل اساسی دیگر اسرائیل در تهاجم فرهنگی اش، جغرافیای اسرائیل است که در حلقه اول محاصره کشورهای عربی و اسلامی قرار گرفته است و همه آنان، با تمدن و فرهنگ غنی که دارند، مانعی جدی برای نفوذ فرهنگ اسرائیلی می‌باشند، بویژه قدمتی که در فرهنگ و تمدن مصر از نظر تاریخی، سوریه از لحاظ مدنیت و لبنان از نظر آزادی و آزاداندیشی وجود دارد. اضافه بر آن، حلقه دوم این محاصره را نیز کشورهای عربستان، عراق، ایران، ترکیه، کشورهای حاشیه خلیج فارس و دورترها، مغرب بزرگ عربی و آسیای مسلمان در بر گرفته‌اند. نفوذ در این مجموعه بزرگ و متحد دینی، کاری بس دشوار است.

۸ - نکته قابل توجه دیگر که مشکل فرهنگی اسرائیلی‌ها را شدت بخشیده، عزیمت فلسطینی‌های آواره به نقاط مختلف کشورهای عربی است که هر یک از آنان، پرونده مظلومیت فلسطین و ستم‌پیشگی اسرائیل را به صورتی عینی گشوده نگاه داشته‌اند و برای اسرائیل کار دشواری است که از تونس و مراکش تا نقاط مختلف خلیج فارس، لبنان، سوریه، مصر و اردن به تبرئه خود پرداخته و اذهان را از این پرونده آلوده بپالاید.

نقاط قوت جامعه اسلامی و عرب در مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن

با توجه به آنچه قبلاً ذکر شد، باید به نقاط قوت جامعه اسلامی و عرب، نیم‌نگاهی انداخت تا در صورت تقویت و بهره‌گیری از آنها، منافذ ورودی دشمن صهیونیستی سد و جامعه اسلامی هویت خود را بازیابد و این، ضرورتی است که در این برهه از زمان، بیش از همیشه وجود دارد.

دشمن به همزیستی طرفین به عنوان دو کشوری که رابطه‌ای معقول دارند، قانع نیست. او این واقعیت را درک کرده است که جامعه قدرتمند مسلمان و عرب با امضای قراردادهای صلح بین رژیم صهیونیستی و چند حاکم زبون، تسلیم نمی‌شود. بنابراین، توجه به این نقاط قوت و قدرت برای این مقطع از مقاومت، ضروری است.

۱ - در صحنه عمل، وجود مقاومت اسلامی، واقعیت شیرینی است که اساسی‌ترین منبع قدرت سیاسی و به تبع آن، قدرت فرهنگی مسلمانان است. وقتی جامعه‌ای احساس کند علی‌رغم همه توطئه‌های جهانی برای درهم کوفتن مقاومت و پذیرش ذلت و خواری توسط حاکمان

جوامع اسلامی و شرکت در مسابقه صلح، هنوز کسانی هستند که بی‌اعتنا به تمام این عناوین وحشت آفرین، مردانه در مقابل دشمن تا دندان مسلح ایستاده‌اند و به منافع او ضربه می‌زنند، هویت و فرهنگ اسلامی آنان احیاء می‌شود و خود را در پیوند با آرمانهای جاوید خویش می‌بینند. استمرار مقاومت - بویژه پس از توافق عرفات با رابین، که در حقیقت، به تسلیم کشاندن معروفترین سازمان رسمی مخالف اسرائیل بود - نشانه عظمتی است که جهان اسلام، به عنوان یک جهان مقاوم دارد. جنبش‌هایی مانند جنبش انقلابی حزب الله، حماس و جهاد اسلامی در برهم‌ریختن مبانی تفکر و توطئه دشمن صهیونیستی، نقشی تاریخی و حقی سنگین بر همه مسلمانان، به خصوص اعراب دارند. اسلامی بودن مقاومت - و نه ملی بودن آن - نشان دیگری است که جهان عرب را به گرد آمدن زیر پرچم اسلام ترغیب می‌کند. زیرا علی‌رغم همه شعارهای ملی، تاکنون هیچ گروه ملی عربی در برابر اشغال سرزمینهای عربی، مقاومت چندانی انجام نداده است.

۲ - وجود دین واحد در جامعه عربی و اسلامی، بزرگترین منبع قدرتی است که می‌تواند در مرحله اول، اعراب را و در مرحله دوم، بیش از یک میلیارد مسلمان را در جبهه اسلامی قرار دهد و به صورت صف واحدی در برابر اسرائیل نگاه دارد. اصل وجود چنین اشتراک بزرگ فرهنگی، سرمایه‌ای است که بالقوه زمینه بهترین اجتماع و وحدت فکری و فرهنگی را آماده می‌کند و تمسک به یک اصل مقدس که ملتی با چنین شعاع وسیعی را در خود جای می‌دهد. علاوه بر این، لحن قرآن نیز در ارتباط با یهود، به قدری شدید است که همان آیات قرآنی برای واکنش کردن جامعه اسلامی از نفوذ فرهنگ صهیونیستی و ایجاد نفرت در میان آحاد مسلمین از اشغالگران فلسطین کافی است. وقتی تعبیراتی مانند:

«سبحان الذی اسرى عبده لیلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذی بارکنا حوله»^(۱۶) در قرآن وجود دارند، اطراف مسجدالاقصى که بنا به تعبیر مفسران، سوریه بزرگ شامل اردن، سوریه و لبنان فعلی می‌شود، سرزمین مقدس و مبارک است. در روایات اسلامی نیز متون محکم و استواری وجود دارند که می‌توانند عامل وحدت دینی در مقابل هجوم فرهنگی اسرائیل باشند.

۳ - تمدن و سابقه مسلمانان در ساخت بنای جامعه جهانی و تاریخ این تمدن در اروپا و آسیا و شمال آفریقا، به حدی کامل و همه جانبه است که کمتر فرهنگ و تمدنی با چنین استواری در تاریخ بوده است. اتکا به این فرهنگ و تمدن، سرمایه بزرگی است که می‌تواند اعتماد به نفس ملی و مذهبی در جامعه اسلامی ایجاد کند و آن را نسبت به رسوخ فرهنگ

بی‌هویت صهیونیستی مصون سازد.

۴ - منطقه عربی، دارای فرهنگ ملی روشن و بازی است که در مقابله با سایر فرهنگها توانسته هم خود را بهتر بشناسد و هم از سایر فرهنگها بهره ببرد. اعراب در دهه‌های اخیر، مهاجرتهای زیادی داشته‌اند و با فرهنگهای زیادی آشنا گشته‌اند. مهاجرپذیری مناطقی از کشورهای عربی مانند لبنان نیز باعث شده تا مردم آن نسبت به بهره‌وری از منابع تمدنها و فرهنگهای دیگران کارآیی زیادی یافته و منافع و مضار فرهنگی را به خوبی بشناسند.

۵ - نقطه قوت دیگری که در جامعه اسلامی و عرب وجود دارد، این است که می‌تواند (و ضرورت دارد) در مباحث فرهنگی با جامعه مسیحی که در کشورهای عربی به تعداد قابل توجهی حضور دارند، در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن صهیونیستی همکاری نمایند. زیرا اولاً جامعه مسیحی بر اساس اعتقادات دینی‌اش، با صهیونیستها درگیری تاریخی داشته است و همواره مسیحیان از یهود با نفرت و کینه یاد کرده‌اند. علاوه بر آن مسیحیان نیز مستقیماً بسیاری از مشکلات و تلخ ناشی از تجاوزات صهیونیستها را تحمل کرده‌اند و خود، قربانی تجاوزات و ستمهای اسرائیل بوده‌اند و علما و روشنفکران مسیحی بی‌شماری، سردمدار مبارزه با صهیونیستها بوده‌اند. همکاری دو دین بزرگ الهی با اشتراکات وسیع فرهنگی و سیاسی و با دارا بودن اصلی‌ترین حجم جمعیت در مناطق همجوار اسرائیل، می‌تواند قدرت بزرگی را در جهت سد کردن تهاجم فرهنگی اسرائیل بنا کند.

۶ - فرهنگ عمومی مخالفت با اسرائیل، در داخل کشورهای عربی و اسلامی واقعیتی است که در اثر تبلیغات وسیع نیم قرن اخیر به وجود آمده است. این فرهنگ عمومی که در اعماق ذهن و اندیشه آحاد جامعه عربی و اسلامی نفوذ کرده، قدرت فرهنگی خوبی را برای مسلمانان و نقطه ضعف بزرگی را برای اسرائیل به وجود آورده است. گرچه در طول سالهای اشغال تا کنون برخی رهبران خائن در کشورهای عربی حکومت کرده‌اند و به علت وابستگی و فشار قدرتهای بزرگ، به خصوص آمریکا، منافع اسلامی و عربی را قربانی کرده‌اند، ولی در عین حال نتوانسته‌اند فرهنگ عمومی مخالفت با اسرائیل را در کشورهای خود محو سازند.

۷ - درگیریهای ملی و ناسیونالیستی با اسرائیل در کشورهای عربی، ریشه و سابقه طولانی دارد، زیرا با اطلاع از اینکه صهیونیسم با کیان و وجود سایر ملتها مخالف است، قومیت‌های عرب برای دفاع از سرزمینهایشان، درگیریهای خود را با صهیونیستها سازمان می‌دادند. این دفاع و درگیری چون به خاطر مشروع‌ترین حق - یعنی آب و خاک - بود، به صورت طبیعی در میان مردم وجود داشت. اولین سازماندهی ناسیونالیستی بر علیه صهیونیستها در نیمه دوم

قرن نوزدهم آغاز شد و فعالیت خود را آغاز کرد.

کنگرهٔ مقابله با طرحهای «بالفور» وزیر خارجهٔ معروف بریتانیا که به صهیونیستها وعدهٔ حکومت داد، در سال ۱۹۱۹ در دمشق تشکیل شد و این کنفرانسها در داخل فلسطین ادامه داشت که می‌توان به ترتیب از کنفرانس عربی فلسطین (قدس، ۱۹۱۹)، کنگرهٔ ضرورت مسلح شدن (نابلس، ۱۹۳۱)، کنگرهٔ جوانان عرب فلسطینی (یافا، ۱۹۳۲ و حیفا، ۱۹۳۵) تا انقلاب بزرگ فلسطین در سال ۱۹۳۶ یاد کرد.^(۱۷)

۸ - از نظر جغرافیایی، اسرائیل یک نقطه است، ولی در مقابل، دنیای عرب و اسلام وجود دارد که علی‌رغم اینکه از کشورهای مختلف تشکیل شده‌اند، اما یک فرهنگ مشخص دارند و آن، فرهنگ اسلامی است. در حقیقت، در برابر اسرائیل، مرزی است که از مصر آغاز شده و تا لبنان ادامه دارد و از نظر عمق، این مرز تا روسیه و ژاپن و اروپا امتداد دارد. این نقطهٔ قدرت بزرگی است که مسلمانان دارا هستند.

تلاشهای روشنفکری در برابر تهاجم دشمن صهیونیستی

نویسندگان، خبرنگاران، هنرمندان و نیروهای روشنفکر عرب و مسلمان در این معرکه، نقش برجسته و به سزایی بر عهده گرفته‌اند و این، بسیار پراهمیت است. زیرا مقاومت عالمان اسلامی که از ابتدای تولد نامشروع صهیونیسم همواره مبارزه کرده‌اند، نام آورتر از آن است که دربارهٔ آن بحث شود و نکتهٔ دوم آنکه دشمن پس از ناامیدی از علمای دینی، دام اصلی خود را برای جذب روشنفکران عرب پهن کرده بود و گمان می‌برد که پس از تسلیم رهبران سیاسی، روشنفکران، اولین گروه سرسپرده باشند که به نفع صلح و سازش، بیانیه و هنر خلق کنند. اما نویسندگان و روشنفکران، نوعاً تا زمانی که هویت خود را حفظ کنند، تابعی از قدرتها نخواهند بود و بر اساس ارزشها قلم می‌زنند. اگرچه حکومت‌های عرب تسلیم شده‌اند، اما غضب و غارت و نژادپرستی که اصول رژیم صهیونیستی است، واقعیتی است که هر روشنفکری را به مقابله با آن دعوت می‌کند. پذیرش اشغالگری، قربانی کردن عدالت و انسانیت است و این، دو اصلی است که هر اندیشمندی در آن سهیم است و هرگز به قربانی شدن آن رضایت نمی‌دهد. جامعهٔ روشنفکری مسلمان و عرب - علی‌رغم وجود جمعی وابسته و بی‌هویت که به خاطر ضعف و یا وابستگی خود را به دشمن فروخته‌اند - چنان نسبت به روند عادی سازی روابط، حساسیت نشان می‌دهند که وقتی یک بار خوانندهٔ نامدار مصری «ایمتن البحر درویش» در مرز مصر و اسرائیل، کنسرت برگزار کرد، زیر فشار جامعهٔ روشنفکری بیانیهٔ عذرخواهی رسمی صادر کرد و از ملتش معذرت خواست.^(۱۸) نمونه‌هایی از آن برای بحث ما مفید است:

۱ - پانزده سال است که مصر، روابط سیاسی خود را با صهیونیستها رسمی کرده و همه اتباع دو کشور، می‌توانند آزادانه در کشور دیگر رفت و آمد کنند، اما هنوز سندیکای حقوقدانان، سندیکای پزشکان، سندیکای روزنامه‌نگاران و سندیکای هنرمندان، همکاری با صهیونیستها و سفر اعضای خود به اسرائیل را منع کرده‌اند و در مقابل هر نوع قانون شکنی، حساسیت نشان می‌دهند.^(۱۹) که در فضای فعلی عادی سازی روابط با اسرائیل، این مقاومت در کشور مصر بسیار پراهمیت می‌نماید.

۲ - تشکیل کمیسیون دایمی مبارزه با تهاجم فرهنگی اسرائیل در لبنان و عضویت دهها نویسنده و حتی اعضای رسمی حکومت در این کمیسیون و برگزاری جلسات مستمر در نقاط مختلف کشورهای عربی و بخشهای لبنان و ابراز حساسیت نسبت به هر پدیده فرهنگی در جهت عادی سازی روابط با اسرائیل و در نهایت، برگزاری سمینار پراهمیت مقابله با تهاجم فرهنگی اسرائیل در تاریخ ۹۴/۱/۱۱ در مرکز «نقابه الصحافیین» لبنان با حضور دهها نویسنده سرشناس عرب و نمایندگان مجلس و وزیر فرهنگ لبنان از نمونه‌های امید بخش دیگر است.

۳ - تشکیل دبیرخانه مقاومت در برابر موافقتنامه‌های عادی سازی روابط با اسرائیل در اردن پس از توافقنامه اخیر «وادی عربیه». عمده‌ترین وظیفه این دبیرخانه، مسایل فرهنگی و تبلیغاتی است. این نکات، بخشی از بیانیه دبیرخانه است:

الف - انتشار مجله فرهنگی - سیاسی دو ماهانه با هدف توضیح مداوم خطر اسرائیل و افشاگری نسبت به کسانی که با رژیم صهیونیستی، تعامل فرهنگی می‌کنند.

ب - برپایی میزگردها و کنگره‌ها.

ج - عضوگیری از گروههای مردمی در جهت روشن کردن مردم و ایجاد فرهنگ عمومی مخالفت با اسرائیل.

د - تشکیل کمیسیونهای فرعی برای مسایل اقتصادی و فرهنگی در جهت حساسیت نشان دادن در برابر هر حادثه فرهنگی و اقتصادی همساز با اسرائیل و نهایتاً دعوت به تحریم هر نوع همکاری مردمی با همه تجار، سیاسیون، فرهنگیان، نویسندگان و روزنامه‌نگارانی که با اسرائیل همکاری دارند.^(۲۰)

۴ - کمیته دایمی مقاومت در برابر عادی سازی روابط فرهنگی، وابسته به اتحادیه سراسری نویسندگان و ادیبان عرب، هم اکنون در همه کشورها عضو دارد و تاکنون نسبت به همه وقایع فرهنگی در جهت عادی سازی روابط با اسرائیل اعلام موضع کرده که آخرین آنها بیانیه عتاب آمیزی است علیه شاعره اردنی «زلیخا ابوریشه» به خاطر شرکت در مراسم کنگره زنان

خاورمیانه به ریاست «شولامیت الومی»، وزیر فرهنگ و ارتباطات اسرائیل که در این بیانیه، تعهد جامعه فرهنگی و هنری عرب به مقابله با هر نوع رابطه با اسرائیل گوشزد شده است.

۵ - مصاحبه‌های تلویزیونی و مطبوعاتی متناوب نویسندگان، شاعران و هنرمندان سرشناس عرب و ابراز عقیده در مخالفت با روابط فرهنگی با اسرائیل و هشدار نسبت به نفوذ فرهنگ اسرائیلی و یا صدور بیانیه‌های موردی توسط سندیکاها و افراد سرشناس فرهنگی، یکی از بهترین وسایلی است که همواره دنیای عرب را از افتادن در این مهلکه بر حذر می‌دارد که بیانیه دبیر کل اتحادیه نویسندگان عرب «فخری قعوار» بعد از کنفرانس مادرید^(۲۱) و مصاحبه‌های اخیر «سعدین رهبه» رییس اتحادیه هنرمندان عرب، «محفوظ عبدالرحمن» نویسنده سرشناس مصری «حمدی غیث» هنرمند مصری و نماینده بازیگران سینما، «سعد اردش» کارگردان سرشناس تئاتر، «لطیفه الزیات»، رئیس کمیسیون دفاع از فرهنگ ملی مصر، «سیری الجندی» قصه‌نویس معروف عرب^(۲۲) و دهها مصاحبه روزانه دیگر از این موارد است.

در اینجا، به خاطر اهمیت مضمون و معروفیت نویسنده و ادیب سوری «نادیا خوست» که کتابهایش در همه کشورهای عربی شهرت دارد، به قسمتی از مصاحبه‌اش اشاره می‌رود. او می‌گوید:

«خطرناکترین جنگها، تهاجم فرهنگی است. زیرا اراده مردمی را از بین می‌برد و تلاش می‌کند «ذهن» را به جای «سرزمین» اشغال کند. لذا به عنوان یک نویسنده، نمی‌توانم شاهد گفتگوی نویسندگان عرب و صهیونیست باشم. من چگونه می‌توانم افکار صهیونیستها را در مغز هموطنانم قرار دهم؟ من معتقدم هم پدران ما و هم فرزندان ما، گناه انسانهای فرهنگی را که در این برهه به عادی سازی روابط فکر می‌کنند - و گناهان فکری، سیاسی، انسانی و فرهنگی دشمن را می‌بخشند نخواهند بخشید. من با گفتگوهای فرهنگی مخالف نیستم و هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند مخالف باشد، اما هیچ تاریخی از هیچ نویسنده‌ای نخواست که با عوامل قتل و غارت و قساوت گفتگو کند. عربها و مسلمانان، فرهنگ دیگران را همواره احترام گذارده و آن را ترجمه کرده‌اند، اما آنچه امروز از جامعه فرهنگی می‌خواهند، این است که عناصر روشنفکر عرب با ملت نژادپرست یهود که خود را ملت برگزیده می‌داند و اساساً برای هیچ فرهنگی حرمت قایل نیست، روابط فرهنگی برقرار کند و در واقع آیا هیچ انسانی، نژادپرستی و کشتار و اشغال سرزمین دیگران را می‌پذیرد؟ آیا معنای این حرف این نیست که مسلمانان و اعراب، فرهنگ تاریخی خود را رها کنند و اسرائیلی‌ها، فرهنگ نژادپرستی خود را تحمیل نمایند؟ آنچه وجود دارد، یک جنگ سیاسی است و از نیروهای فرهنگی به عنوان سلاح این نبرد سیاسی می‌خواهند

استفاده نمایند.^(۲۳)

۶ - پس از قرارداد غزه و اریحا، روشنفکران مصری، میثاقی را امضا کردند که در آن، با اشاره به تلاش وسیع اسرائیل برای همکاری و نزدیکی با نویسندگان و روشنفکران مصری، هر نوع همکاری و همدلی با صهیونیستها طرد کرده و آن را خیانتی به جامعه فرهنگی مصر دانسته‌اند و در آن بیانیه، از برخی همکاران ضعیف‌النفس خود خواسته‌اند در دام اسرائیل قربانی نشوند و با ظرافت اشاره کرده‌اند که اموال و پرداختهای اسرائیلی، نویسندگان را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد.^(۲۴)

۷ - مرکز «اعلام الوطن العربی» مصر در اولین ماه سال ۱۹۹۴ کنفرانسی در مصر برگزار کرد که در آن دکتر «اینه رشید» رئیس کمیسیون دفاع از فرهنگ ملی مصر، هر نوع مرادفه فرهنگی با اسرائیل را رد کرد و «حمدین صباحی» دبیر مرکز اعلام الوطن العربی از روشنفکران خواست مصوبات این کمیسیونها را جدی تو عمل کنند و دکتر «رضوی عاشور» به جامعه عرب نسبت به تریبون‌های مخفی توطئه‌آمیزی که در جهت عادی سازی روابط فرهنگی با اسرائیل تلاش می‌کنند هشدار داد و «فریده نقاش» نویسنده معروف مصری اعلام کرد اخیراً مراکز تحقیقاتی زیادی در اسرائیل فعالیت خود را آغاز کرده‌اند که هدف همه آنان، جذب نویسندگان و محققان عرب است.^(۲۵)

۸ - سندیکای خوانندگان و هنرمندان لبنانی، این سؤال را با هنرمندان لبنان در میان گذاشته که پاسخهای آن، در روزنامه «الدبار» یکشنبه ۲۷ نوامبر ۱۹۹۴ منتشر شد:

«حالت جنگی بین اعراب و اسرائیل پایان یافته و دولتها، یکی پس از دیگری به کیان صهیونیستی اعتراف می‌کنند. آیا شما به عنوان یک هنرمند، با عادی سازی روابط فرهنگی و هنری و در نهایت، عادی سازی روابط مردمی، موافقید یا مخالف؟»

پاسخهای هنرمندان بنام و درجه اول لبنان خواندنی بود. این پاسخها با توجه به جایگاه پرآوازه هنرمندان در بین اعراب و اثراتی که این اظهار نظرها بر جوانان دارد، بسیار مهم تلقی می‌گردد. مهمتر آنکه حتی یک نفر از این مجموعه، صراحتاً به عادی سازی روابط فرهنگی با اسرائیل دعوت نکرده است. به بخشی از این اظهار نظرها توجه کنید:

● «وفاء طریبه» خواننده: سازش با اسرائیل، مایه خواری دولتهای عرب شد و عادی سازی روابط، باعث خواری مردم عرب خواهد گردید.

● «علی الزین» هنرپیشه تئاتر: من دعا می‌کنم خدا به ملت بزرگ عرب و فرهنگ او ترحم

کند.

- «فؤاد شرف الدین» خواننده: من با عادی سازی مخالفم. شاید لااقل فرهنگ و هویتی برایم باقی بماند.
- «سعاد قاروط العشی» مجری تلویزیون: وجود دریا‌های خون میان اعراب و اسرائیل، اجازه همزیستی مسالمت آمیز بین آنها را نمی‌دهد. حتی اگر همه هنرمندان هم تصمیم بگیرند، اثری در این حرکت نخواهند داشت.
- «خالد السید» هنرپیشه: اگر رهبران عرب حرمت ۵۰ سال خون را نگاه نمی‌دارند، لااقل حرمت زندگان را نگهدارند...
- «منی الخطیب السعاده» خواننده: وای بر ملت عرب اگر به همزیستی مسالمت آمیز و عادی سازی تن دردهد. در آن صورت، قطعاً عکس‌العمل‌های شدیدی در بین مردم به وجود خواهد آمد.

راه‌های مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی دشمن صهیونیستی

اکنون پس از شناخت ابعاد برنامه‌ریزی دشمن صهیونیستی برای تهاجم فرهنگی و نقاط ضعف و قوت اسرائیل، مسلمانان باید در شرایط حساس کنونی، که مسابقه سیاسی صلح آغاز شده و مرحله عادی سازی روابط فرا رسیده، راه حل‌ها را بررسی کرده و نسبت به آن واکنش نشان دهند. توجه به این نکته ضروری است که اگر چه امضای قراردادها در اختیار حاکمان است، ولی مقابله با تهاجم فرهنگی در اختیار دولتها نیست. آمریکا و صهیونیستها نسبت به امضای قرارداد صلح می‌توانند به دولتها فشار وارد کنند، ولی برای پذیرش فرهنگ دشمن و مقابله با آن، فشار سیاسی کارساز نیست.

بنابراین، به جامعه عرب (عموماً) و جامعه عرب مسلمان (خصوصاً) که در حلقه اول نفوذ فرهنگی دشمن قرار گرفته‌اند، توصیه‌های زیر ارائه می‌گردد:

۱- وقتی اصلی‌ترین انگیزه دشمن، در تهاجم فرهنگی از مبنای اعتقادی و دینی او نشأت می‌گیرد، در مقابل باید از اصول دینی و اعتقادی بهره جست. بازگشت به اسلام و افکار اسلامی و اسلامی کردن مبارزه با صهیونیسم، به جای عربی تلقی نمودن آن، مهمترین منبع قدرت علیه تهاجم فرهنگی دشمن است.

اگر مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن اسلامی باشد، دنیایی با یک میلیارد جمعیت و جغرافیایی از جنوب آفریقا تا شرق آسیا، با فرهنگی مشترک، علیه اسرائیل مقاومت خواهد کرد. هر نوع حرکتی که اسلامی بودن مبارزه فرهنگی با دشمن را تضعیف کند، خدمت به آرمانهای اسرائیلی است.

۲- بهره‌وری از وسایل فرهنگ ساز مانند فیلم، سریال، تئاتر، قصه، کتب درسی، جزوات، کتابها، مجلات، روزنامه‌ها در جهت آرایه مداوم فکر و اندیشه ضد صهیونیستی خصوصاً برای نسلهای جدید و آینده با این محورها:

الف - فرهنگ و تمدن اسلامی و عربی و نقش آن در ساختار جهان معاصر.

ب - تاریخچه جنایات و ولادت نامشروع رژیم صهیونیستی.

پ - تاریخ مقاومت و پایمردی، فشارها، دربدریها، آوارگی‌ها، و رنجهای ملت فلسطین و لبنان و جنگهایی که با اسرائیل انجام شد.

ت - زنده نگاه داشتن نام و یاد و خاطرات رهبران و نیروهای رزمنده و مقاوم

ث - افشای خیانت خائنان به آرمان فلسطین.

ج - بی‌هویتی فرهنگی و ماهیت نژادپرستی صهیونیستها.

چ - حمایت قدرتهای جهانی و ابعاد آن از رژیم صهیونیستی.

۳- از آسیب‌پذیرترین نقاط جوامع عربی در مقابل هجوم فرهنگی اسرائیل، وجود و گسترش فرهنگ مبتدل غربی و آمریکایی در کشورهای عربی است. زیرا صهیونیسم فرزند عرب است. و فرهنگ و آداب خود را بر اساس فرهنگ غربی و آمریکایی شکل داده و اگر به موازات آن در جوامع عربی، همان فرهنگ وجود داشته باشد، اسرائیل راه صد ساله را یک شبه خواهد پیمود، متأسفانه بیشتر کشورهای عربی فرهنگ عمومی خود از تحصیلات دانشگاهی و متون علمی تا مظاهر شهری و رفتار فردی جوانان بر اساس الگوی رفتار آمریکایی تنظیم کرده‌اند و در حقیقت، از داخل، خود را با فرهنگ موجود در اسرائیل همسان کرده‌اند و طبیعی است که چنین جامعه‌ای در مقابل دشمن اشغالگر حساسیت نشان ندهد.

۴- وحدت اسلامی و عربی و بهره‌گیری از نیروی جمعی، از ضروریات این مقطع است. در این مهم، اگر چه رهبران سیاسی جهان اسلام یک صدا نباشند، اما وحدت مردمی با تکیه بر مشترکات فرهنگی دینی و یا مشترکات ملی عربی عملی خواهد بود.

۵- حساسیت فرهنگی و تبلیغاتی و مطبوعاتی نسبت به هر نوع عادی سازی روابط، وظیفه روشنفکران است که اگر افشاگری وجود داشته باشد، نیروها جذب دشمن نخواهند شد.

۶- فعال بودن مستمر عالمان دینی از مذاهب مختلف و تأکید مداوم بر فتاوای شرعی در پرهیز از همکاری و مساعدت با دشمن و روشن کردن ماهیت ضد دینی صهیونیستها.

۷- بالا بردن سطح معلومات و تحصیلات جامعه عرب و خارج کردن مجتمع عربی از جهالت.

- ۸ - حفاظت از میراث فرهنگی اسلامی در مناطق عربی. زیرا که میراث فرهنگی، نشانه تاریخ و تمدن هر ملتی است. این مسأله وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که توجه کنیم دشمن اساساً فاقد هر نوع تاریخی است و مسلمانان، تاریخ سازان آسیا و خاورمیانه و بخشی از اروپا بوده‌اند.
- ۹ - ایجاد مراکز تحقیقات دانشگاهی و علمی که بتواند از ابعاد مختلف تاریخی، جغرافیایی، دین‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانکاوی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درباره دشمن تحقیق کند و همواره براساس آخرین آمار، آن را به روز کرده و در اختیار جوامع فکری دنیای اسلام قرار دهد.
- ۱۰ - تقویت زبان عربی فصیح و پالایش آن از لغات خارجی به عنوان زبان قرآن و زبان ملی عربی که در آن صورت، زبان عربی می‌تواند نقطه اشتراک ملت بزرگ عرب در مقابل فرهنگ صهیونیستی باشد. این پالایش خصوصاً از لغات عبری، ضرورت بیشتری دارد.
- ۱۱ - گسترش روح مقاومت و مبارزه منفی، به گونه‌ای که تلاشهای فرهنگی صهیونیستها با شکست مواجه شود. نمونه آن را در روستاهای جنوب لبنان شاهد بودیم که وقتی نیروهای مزدور اسرائیل (لحد) در نوار اشغالی، مدارس ابتدایی برای روستاییان افتتاح نمودند، کسی وارد آنها نشد و دشمن مجبور شد پس از دو ماه که از آغاز سال تحصیلی ۹۴-۹۳ می‌گذشت، کلاسها را تعطیل کند. گسترش این روحیه با همکاری علما و نیروهای محلی امکان پذیر است.
- ۱۲ - همکاری رسانه‌های جمعی عربی و اسلامی در جهت انعکاس همه جانبه اخبار مقاومت و افشای واقعیت دشمن صهیونیستی به طور مستقیم و نه از مجاری و خبرگزاریهای غربی.
- ۱۳ - فعال کردن سندیکاهای فرهنگی، هنری، تبلیغاتی و مطبوعاتی در نقاط مختلف جهان اسلام برای مقاومت و مخالفت با ابعاد هجوم فرهنگی دشمن.
- ۱۴ - و از همه مهمتر - که اثر مستقیم آن در صحنه فرهنگ بروز می‌کند - جدی گرفتن

همهٔ علاقه‌مندان به شرف اسلامی در همهٔ کشورهای جهان با یکدیگر همکاری نمایند. در آن صورت، دشمنی که نتوانست با پیروزی مسلحانه علی‌رغم آن همه حمایت جهانی و خیانت رهبران اسلامی به نیل و فرات دست یابد، نیز نخواهد توانست از نظر فرهنگی، دنیای پرتمدن و پرآوازهٔ مسلمانان را فتح کند.



منابع و مآخذ:

- ۱ - سخنرانی وزیر فرهنگ لبنان در کنگره «غزوالصهیونی»، لبنان - ۹۴/۱/۱
- ۲ - روزنامه الحیات، ۲۳/۸/۹۴
- ۳ - روزنامه الحیات، ۲۰/۵/۹۴
- ۴ - روزنامه الشرق، ۲۹/۴/۹۴
- ۵ - روزنامه نداء الوطن، ۴/۱۰/۹۴
- ۶ - روزنامه الدیار، ۲۰/۹/۹۴
- ۷ - مجله حزب العربی الایموقراطی الناصری، ۲۰/۶/۹۴
- ۸ - روزنامه نداء الوطن، ۴/۱۰/۹۴ آمار آن آمده است.
- ۹ - مجله المجتمع، چاپ کویت، شماره ۱۰۹۹، تاریخ ۱۰/۵/۹۴
- ۱۰ - مخاطرات الغزوالثقافی الصهیونی، ص ۶
- ۱۱ - روزنامه النهار، ۱/۱۰/۹۴
- ۱۲ - روزنامه الحیات، ۱۷/۶/۹۴
- ۱۳ - سلسله گزارشهای «هدی الحجر جاوی» از قاهره در روزنامه نداء الوطن
- ۱۴ - صراع العربی الصهیونی، از انتشارات کنگره دایمی مبارزه با صهیونیسم، ص ۲
- ۱۵ - نطق جمال عبدالناصر در تاریخ ۱۴/۳/۱۹۵۹ در دمشق
- ۱۶ - سوره مبارکه اسراء، آیه ۱
- ۱۷ - الصراع العربی الصهیونی، از انتشارات کنگره دایمی مبارزه با صهیونیسم.
- ۱۸ - سلسله مقالات هدی الحجر جاوی از قاهره در روزنامه نداء الوطن
- ۱۹ - روزنامه الاهرام، ۷/۱۰/۹۴
- ۲۰ - متن بیانیه در کتاب «الاول لمؤتمر الدائم لمناهفه الغزوالثقافی» آمده است
- ۲۱ - مجله الاهاسی چاپ اردن، ۱۴/۴/۴۹
- ۲۲ - مجله حزب العربی الایموقراطی الناصری ۲۰/۶/۹۴
- ۲۳ - مصاحبه با روزنامه الحیات، چاپ لندن، ۱۲/۶/۹۴
- ۲۴ - سلسله تحقیقات «هدی الحجر جاوی» در روزنامه نداء الوطن
- ۲۵ - گزارش «هدی الحجر جاوی» از کنگره روزنامه نداء الوطن